

### بیان مسئله

در اندیشه دینی یهود درباره «خلقت» یهودیان، دیدگاهی خاص وجود دارد که بر اساس تلمود و سنت قباله (براون، ۱۸۱۶، ج ۴، ص ۵۴۳) شکل گرفته است. این دیدگاه، مهم‌ترین دلیل برای خلوص نژادی آنان است. این تفکر و نیز اعتقاد به «برگزیدگی»، عوامل تعیین‌کننده در رفتار آنان با غیریهودیان می‌باشد. یهودیان به اشتباه، برگزیدگی مشروط قوم خود را مطلق فهمیده، آن را به همه زمان‌ها و مکان‌ها سرایت داده‌اند. آنان چون دین یهود را مختص بنی‌اسرائیل می‌دانند، دچار توهم برگزیدگی شده‌اند. قرآن کریم از غیرمسلمانان یاد کرده، ولی اسلام را به قوم خاصی منحصر نکرده است.

در تلمود، «یهود» از نظر نژاد از سایر انسان‌ها متمایز شده است. این تمایز، تا حدودی تعیین‌کننده رفتار یهودیان با غیریهودیان می‌باشد (مک کال، ۱۸۶۸، ص ۳۲). در تنخ، گرچه از برگزیدگی بنی‌اسرائیل، بخشش‌های پی‌درپی و نگاه ویژه یهوه به آنان صحبت شده (حزقیال، ۱۸۱۶:۱۱)، ولی عقوبت بنی‌اسرائیل خاطی نیز مطرح شده است. این امر، مفهوم «نژاد برتر» را بی‌اعتبار می‌کند (عاموس، ۲:۳؛ ۲:۸).

لازم به یادآوری است در ادیان توحیدی، از اصول اخلاقی مشترکی سخن به میان آمده است که اندیشه نژاد برتر را مخدوش می‌سازد. اسلام دینی جهانی است، اما یهود دینی قومی - نژادی است (نیسان، ۱۹۹۹، ص ۲۹). قومی بودن دین یهود، موجب شده است تا یهودیان برگزیدگی خود را به نژاد خود وابسته بدانند. البته برخی مسلمانان ناآگاه نیز به صرف مسلمان بودن، خود را برتر از همه انسان‌ها می‌دانند. اما بر اساس قرآن کریم، گرامی‌ترین انسان‌ها نزد خداوند باتقواترین آنها هستند (حجرات: ۱۳). برتری مسلمانان در صورت داشتن ایمان است: «أَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» (آل‌عمران: ۱۳۹). در آیه «وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ وَاللَّهَ مَعَكُمْ» (محمد: ۳۵)، نیز علت برتری مسلمانان، همراهی خدای سبحان با آنان بیان شده است. همچنین در آیه ۳۳ همین سوره، عدم اطاعت از خداوند و رسول را موجب ابطال اعمال دانسته است (محمد: ۳۳). نکته حائز اهمیت اینکه این برتری، نژادی نیست، بلکه تقوا، ایمان به خدا و رسول او و پیروی از آنان، موجب برتری می‌شود. البته در جامعه اعراب مسلمان، بخصوص اهل سنت، برتری نژاد عرب بر نژاد عجم مطرح می‌باشد، اما هیچ ارتباطی با آموزه‌های دین اسلام ندارد.

این پژوهش بر آن است تا با شناسایی این عوامل و مقایسه آن با قرآن کریم، تفاوت‌ها و شباهت‌های اسلام و یهودیت در این زمینه را بیان نموده و به پاسخ روشنی برای علت رفتارهای فعلی جامعه یهود با دیگران دست یابد.

### تعامل با بیگانگان از منظر کتاب مقدس عبری، تلمود و قرآن کریم

Az.shabani75@gmail.com

s.jalali@alzahra.ac.ir

lhoosh@alzahra.ac.ir

کلیه اعظم‌سادات شبانی / کارشناس ارشد رشته علوم قرآن و حدیث دانشگاه الزهراء

سهیلا جلالی کندی / استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه الزهراء

لیلا هوشنگی / دانشیار گروه ادیان و عرفان دانشگاه الزهراء

دریافت: ۱۳۹۵/۰۱/۲۰ - پذیرش: ۱۳۹۵/۰۶/۱۵

### چکیده

امروزه مناقشات بین پیروان ادیان مختلف، افزایش یافته و موجب ناامنی در جهان شده است. توجه به متون و اندیشه‌های دینی و بازتاب آن در تعامل بیرونی، می‌تواند در شناسایی دلایل اختلاف و رفع آن مؤثر باشد. در اندیشه یهود، «بیگانگان» افرادی خارج از قوم یهود هستند و نگاه دوگانه‌ای در برخورد با بیگانگان وجود دارد. در گزارش‌های کتاب مقدس عبری (تنخ) و تلمود، از یک‌سو آنان، دارای نژاد پست و متفاوت از یهود هستند و از سوی دیگر، مخلوقات محترم خداوند شمرده می‌شوند. اکثر یهودیان، به دلیل باور به خلوص نژادی و برگزیدگی قوم خویش، با بیگانگان برخورد نامتعارف می‌کنند. با بررسی متون مقدس یهود، یکی از دلایل مهم تعامل نادرست یهودیان با بیگانگان، تکیه بر اندیشه‌های ناصواب راه یافته به متون دینی آنان است. در مقابل، قرآن کریم به همه انسان‌ها یکسان نگریده، برای هیچ نژادی اعتبار ویژه قائل نمی‌شود، بلکه تنها تقوا و ایمان و عمل صالح موجب برتری انسان‌ها می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: بیگانگان، قرآن کریم، تنخ، کتاب مقدس عبری، قوم یهود، برگزیدگی.

واژه‌های عبری «گوی» (goy) و «گوییم» (goyim) (ر.ک: رایبسون، ۲۰۰۸، ص ۵۷۴). در کتاب مقدس عبری (پیدایش، ۱۰:۵؛ اشعیا، ۱۰:۲۰؛ خروج، ۹:۲۴؛ ۱۰:۳۴؛ لایوان، ۲۵:۴۴)، به معنای ملت و مردم یهودی یا افراد غیریهودی است (رایبسون، ۲۰۰۸، ص ۵۴۳). «گوییم»، جمع «گوی»، علاوه بر قوم غیریهود، در مورد بعضی از مکان‌ها نیز به کار رفته است. این واژه ۴۰۰ مرتبه در کتاب مقدس عبری آمده است (لانگمن، ۲۰۱۳، ص ۶۹۷). معادل واژه «گوی»، واژه «نُخری» (Nokhri) در تنخ (تنیه، ۱۵:۳) و «ائنه» (étnē) که از واژه لاتین ethnic گرفته شده است) در عهد جدید (متی، ۵:۴۷) است. البته گاه واژه «گوی» برای اقوام اسرائیل نیز به کار رفته است (پیدایش، ۱۲:۲؛ مزامیر، ۱۰۶:۵؛ حزقیال، ۳۶:۱۵). ولی برداشت عمومی از آن، همان اقوام غیراسرائیلی است. این واژه معادل «آموت - ها - غلم» (Ummot ha-olam) به معنای غیراسرائیلی‌هاست (هایس، ۲۰۰۲، ص ۲۹۳). یهودیان برای نوکیشان واژه «گر» (Ger) را به کار می‌برند. این واژه در تنخ (خروج، ۱۲:۱۹)، معمولاً مفرد آمده و به معنای غریبه است (بیرت، ۲۰۰۲، ص ۷۸، ۸۰). در متون دینی یهود، واژه «بیگانگان» (Gentile) به معنای افرادی خارج از قوم یهود آمده است. در ترجمه فارسی کتاب مقدس عبری به «غریبان» برگردان شده است.

در قرآن کریم تنها یک بار واژه «امی» از زبان بنی اسرائیل، به معنای «بیگانه»، آمده است که دیدگاه آنان نسبت به غیرخودشان را نشان می‌دهد: «... ذَلِكَ بَأَنَّهُمْ قَالُوا لَيْسَ عَلَيْنَا فِي الْأُمِّيِّينَ سَبِيلٌ وَ يَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ الْكُذِبَ وَ هُمْ يُعْلَمُونَ» (آل عمران: ۷۵)؛ این معنا را می‌توان از مقابله اهل کتاب با عرب، که معمولاً بی‌سواد بودند، به دست آورد (معرفت، ۱۳۹۰، ص ۲۶). واژه «عجم» معمولاً به نژاد غیرعرب اشاره دارد؛ هر چند فرد عربی که نمی‌تواند فصیح صحبت کند، «عجم» گویند (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۲۳۷). این واژه ۴ بار در قرآن برای توصیف زبان به غیرعرب به کار رفته است (روحانی، ۱۳۶۶-۱۳۶۸، ج ۱، ص ۴۹۱). با این مضمون که قرآن نازل شده بر پیامبر عرب و در سرزمین عربستان، نمی‌تواند غیرعربی باشد (ازهری، ۱۴۲۱ق، ج ۱، ص ۲۴۹). بنابراین، در قرآن کریم «بیگانگان» به معنای موردنظر در متون یهود وجود ندارد. واژه «غیر» به معنای «دیگری» و «غیرمسلمان» در قرآن کریم دیده می‌شود (مانده: ۱۰۶). ولی این واژه ربطی به نژاد عرب یا برتری آنها ندارد (زمخشری، ۱۳۸۶ق، ص ۸۵؛ خونی، ۱۳۸۸، ص ۴۴۳).

### بیگانگان در اندیشه دینی یهود

بیگانگان در کتاب مقدس، چند گروه هستند: ۱. کسانی که از مرز و بوم یهود نیستند و در خارج از سرزمین آنها زندگی می‌کنند؛ ۲. بت پرستان و کافران؛ ۳. رومی‌ها [در عهد جدید] (امونز، ۱۸۵۴، ص ۷۶)؛ ۴. همه اقوام غیراسرائیلی، اعم از اینکه داخل یا خارج از سرزمین یهود باشند (برومیلی، ۱۹۸۲، ص ۲، ص ۸۱).

### نگاه دوگانه به بیگانگان در تورات

در تورات، خداوند فرمان داده که بیگانگان را دوست داشته باشند: «پس غریبان را دوست دارید؛ زیرا که در سرزمین مصر غریب بودید» (تنیه، ۱۰:۱۹). این امر بیانگر محبت خداوند به تمام انسان‌هاست.

گرچه در تنخ، خدا رهایی‌بخش اسرائیل است و اسرائیل باید به او وفادار بماند و می‌توان «خدا» را به دلیل پیمان ویژه با قوم اسرائیل، خدای اسرائیل دانست، اما خدا، خدای همه موجودات، خالق آسمان و زمین و خدای تاریخ بشریت است و دلواپس آدمیان (آترمن، ۱۳۸۵، ص ۴۲). بنی اسرائیل و بیگانگان، هر دو بندگان خداوند هستند و باید مطیع امر او باشند.

در تورات، احکامی بیان شده که نشانگر این است که به برخی از امور غریبان توجه شده است. به‌عنوان نمونه، غریبان نیز مانند اسرائیل، می‌توانستند در صورت ارتکاب قتل سهوی، به مکان‌های خاصی پناه ببرند: «به جهت بنی اسرائیل و غریب و کسی که در میان شما وطن گزیند، این شش شهر برای ملجأ باشد تا هر که شخصی را سهواً کشته باشد، به آنجا فرار کند» (اعداد، ۳۵:۱۵). حقوق برده غیراسرائیلی، باید منصفانه پرداخت می‌شد (تنیه، ۲۴:۱۵). همچنین آنها می‌توانستند در سرزمین یهود صاحب اموالی باشند (حزقیال، ۴۷:۲۲-۲۳).

در تورات، اسرائیلی‌ها به رفتار مهرورزانه و عادلانه با غریبه‌ها، به استثنای قوم‌های کنعانی، توصیه شده‌اند (تنیه، ۱۹:۱۰؛ خروج، ۲۳:۹). در تنخ همچنین اعمال درست غریبان، تمجید و با نافرمانی بنی اسرائیل مقایسه شده است (ارمیا، ۳۵). از سوی دیگر، در تنخ نگاه‌های تبعیض‌آمیزی به بیگانگان وجود دارد. از جمله می‌توان به احکام چگونگی تطهیر یهودیان، پس از تماس با بیگانگان (مدیانی‌ها) اشاره کرد (اعداد، ۱۹:۳۱-۲۴؛ ر.ک: برومیلی، ۲۰۰۲، ص ۲۰۶). همچنین مفاهیمی در تنخ وجود دارد که بر حقیر شمردن بیگانگان حمل می‌شود که با تورات در تعارض است. مانند: (خروج، ۱۲:۴۳؛ اشعیا، ۱:۷).

### نگاه دوگانه به بیگانگان در تلمود

در تلمود، توصیه‌هایی به رفتار مبتنی بر عدالت و انصاف و به دور از تبعیض با غیریهودی مشاهده شده است:

فربغ غیریهود و آزار رسانیدن به وی، گناهی است بسیار سنگین‌تر و ناپسندتر از فربغ یک یهودی و بدی کردن به او. به این جهت که بدکردن به غیریهود باعث حیلول هشم (Hillul Hashem) (بی‌حرمتی به خدا) می‌شود (توسیفناپاواقما، ۱۰:۱۵). حیلول هشم، از شنیع‌ترین گناهان به حساب می‌آید، طوری که توبه و ندامت فرد، مجازات او را عقب نمی‌اندازد و فقط مرگ شخص گناهکار می‌تواند، گناه او را زایل کند

یوما، ۸۶الف) کسی که باعث خوار شدن نام الهی شود، جزو پنج گروه گناهکارانی است که بخشش و آمرزشی برای آنان نیست (آووت ربی ناتان، ۳۹). هر آن‌کس که نام خدا را در خفا خرد کند، به طور آشکار او را مجازات خواهند کرد. چون در مورد گناه «حیلول هشم»، چه از روی سهو باشد و چه از روی عمد، مجازات یکسان است (میشناآووت، ۴:۴؛ کهن، ۱۳۸۲، ص ۷۵).

در عین حال، برخی اندیشمندان یهودی، دیدگاه متفاوتی به بیگانگان دارند. آنان یهود را از نظر جسم و روح، با دیگر آدمیان متفاوت می‌دانند.

دین‌شناسان یهودی در قرون وسطی، برای اثبات حقانیت یهود در مقابل مسیحیت و اسلام تلاش می‌کردند. در این میان قاعده «یهودا هالوی» در کتاب کوژری قابل اعتناست. قاعده این است که اسرائیل در ساختار روحی خود، با اقوام دیگر متفاوت است و یک تازه کیش یهودی از این ژن‌های روحی، بی‌بهره است (آترمن، ۱۳۸۵، ص ۳۴۹؛ هالوی، ۲۰۰۷، ص ۳۵، ۱۲۴).

بر اساس این اعتقاد که در تعالیم تلمود و به شکل گسترده‌تر در عرفان قبالایی مشاهده می‌شود، «گوی‌ها» یا «گویم»؛ یعنی بیگانگان، متعلق به زیر جهان قباله هستند که شیاطین در آن جای می‌گیرند. روح «گوی» از روح فرد یهودی در مرتبه پایین‌تر است. بر اساس یکی از سنت‌های تلمودی، حوا به وسیله مار شیطان باردار شده و در نتیجه، نقصی در زاد و ولد او پیدا شد تا آنکه تجلی خدا در سینا موجب شد آن عیب از اسرائیل برطرف شود. «گوی»، فرزند معیوب ارتباط جنسی زن با مار، نماد نیروهای شیطانی بود. از آنجاکه بیگانگان تجربه پاک‌کننده ظهور تورای خدا را نداشتند، نیمه انسان و نیمه شیطان باقی ماندند (همان، ص ۳۴۹-۳۵۰). و معدود افراد غیر شیطانی که در میانشان به چشم می‌خورد، درواقع ارواح یهودیانی هستند که وقتی شیطان به بانوی مقدس یا بانوی شوهردار (Matronit؛ ر.ک: پاتای، ۱۹۹۰، ص ۱۳۹؛ پاتریکا، مونفان، ۲۰۱۰، ص ۹۳) تجاوز کرد، در منزل او در بهشت گم شدند (شاهاک، ۱۳۸۹، ص ۴۵).

در این اعتقاد، غیریهودی موجود مسخ‌شده‌ای است که به جبر، هویت متفاوتی از نژاد برتر انسان‌ها، یعنی یهودیان دارد. در کتاب *مکاشفات باروخ* از سقوط آدم علیه السلام و نسل وی صحبت شده، اما در آن موضوع اختیار و آزادی انسان در انتخاب خیر و شر نیز مطرح شده است. جمله «هر کس آدم نفس خویش است»، به همین مطلب اشاره می‌کند (هستینگ، ۲۰۰۳، ج ۵، ص ۷۰۳؛ آراچ چارلز، ۲۰۰۶، ص ۴۴).

از دیدگاه فیلون (Philo؛ ر.ک: ویلسون، ۲۰۱۱، ص ۱۲) نیز خوردن از شجره ممنوعه تمثیلی است از تسلیم شدن در برابر شهوات و لذات جسمانی. آدم مظهر خرد، حوا مظهر دریافت حسی، «مار» مظهر هوای نفسانی و «درخت» معرفت، مظهر اندیشه و تدبیر است (مجتبایی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۱۷۵).

یهودیان بر اساس اعتقاد به خلوص و دست‌نخوردگی نژادشان، گامی را فراتر نهاده و حتی ویژگی‌های فیزیکی خود را متمایز از سایر نژادها می‌دانند. جمال حمدان بیان می‌کند که یهودیان صفاتی چون کوتاهی قد، سینه تنگ، چاقی و بینی کج و شکل سرشان را ویژه دانسته، و معتقدند: از لحاظ ظاهری نیز متمایز از دیگران هستند (هرکبابی، ۱۹۷۲، ص ۳۲۳). جیگر (Gustav Jaeger)، او می‌گوید: یهودیان

با بوی بدنشان قابل تشخیص‌اند و از آریایی‌هایی که خون کمتری از یهودیت در بدنشان جاری است، متمایز می‌شوند (فیشربرگ، ۲۰۰۶، ص ۳۱۵؛ ایس، ۲۰۰۱، ج ۷، ص ۹۰-۹۵).

موسی هس (Moses Hess)، پایه‌گذار این نظریه زیست‌شناختی بود. هرتزل (Theodor Herzl (1860-1904) عباراتی چون «جنس یهود» یا «قیام جنس یهود» را به کار می‌برد. او از تشابه ظاهری یهودیان کنیسه پاریس و وین در شکل بینی و نفوذ چشمانشان به شگفتی آمده بود (هس، ۱۹۹۵، ص ۵۸-۵۹). مارتین بوبر (مارتین بوبر؛ ر.ک: Buber، ۱۹۹۷، ص ۲۳۰) با اشاره به اهمیت خون و ریشه یهود در شکل‌دهی ابعاد شخصیتی یهود می‌نویسد: «یهودیان اگر از سرزمینشان طرد شده‌اند، سرزمینشان از میان آنان طرد نشده است». صهیونیست‌ها، نه تنها به شیوه فلسفی بوبر، بلکه به شیوه علمی نیز می‌خواهند ثابت کنند که نژاد خالص هستند (سند، ۲۰۱۰، ص ۲۵۹). بنابراین، آنان برای ممتاز نشان دادن نژاد خود، از اهرم‌های اعتقادی و زیست‌شناختی استفاده کرده‌اند.

یهودیان، خلوص نژادی خود را مطرح و برای حفظ آن، ازدواج با غیریهودی را منع می‌کنند، ولی به این اعتنا نکرده، ازدواج‌های خارج از نژاد خود داشتند (روت، ۴:۱، ۱۶-۱۷؛ دوم‌سموئیل، ۱۱:۱-۱۳). برخی تعالیم یهود، بر این عقیده خط بطلان می‌کشد. از جمله، در پاسخ این سؤال که چرا نسل بشر از یک تن (آدم) به وجود آمده است، گفته شده: «به خاطر نیکوکاران و بدکاران. تا آنکه نیکوکاران نگویند ما اخلاف یک نیکوکار هستیم و بدکاران نیز نگویند ما اولاد یک بدکار هستیم. بنابراین، هیچ‌کس نمی‌تواند ادعا کند که ارث عامل مؤثری در اخلاق و رفتار او بوده است» (کهن، سنهدرین، ۳۸ الف، ص ۱۶۵).

امروزه، اندیشه خلوص نژادی به شدت محکوم شده، حتی برخی اندیشمندان یهودی نیز مخالف آن هستند. شلومو سند (Shlomo Sand)، استاد تاریخ دانشگاه تل‌آویو، در کتاب پرفروش *اختراع قوم یهود* می‌نویسد:

تبعید گسترده قوم یهود در قرن اول میلادی به دست رومیان، از نظر تاریخی اثبات‌پذیر نیست. یهودیان ساکن سرزمین‌های مقدس تبعید نشدند، بلکه در طول زمان مسلمان شدند و در جنگ‌های صلیبی، هویت آنها تقویت شد. یهودیان باستانی ساکن منطقه فلسطین، اجداد اعراب مسلمانی هستند که امروز در این ناحیه، زیر ستم و اشغالگری یهودیان قرار گرفته‌اند (سند، ۲۰۱۰، ص ۲۶۷). [به نظر سند]، یهودیانی که در اسرائیل گرد آمدند، اساساً نژادهای بسیار گوناگون آسیایی، اروپایی و آفریقایی دارند و نمی‌توان آنها را یک قوم خالص یهودی معرفی کرد و داستان تبعید، داستان ساخته مسیحیان برای ترغیب یهودیان به آیین خودشان بوده است. [او] نظریه هرتزل و «تئوری خون» بوبر را نیز به چالش کشیده است (همان، ص ۲۳۸).

حال این سؤال مطرح است که چرا برخی یهودیان، بر منحصر به فرد بودن نژاد خود تأکید می‌کنند؟

ریشه این نگرش به دوره رابینون برمی گردد. یعنی پس از تخریب معبد، هویت یهود دچار تغییرات اساسی شد و برای خروج از تحمیل حقارت‌های ملل همسایه، قوم‌گرایی و پی‌ریزی جامعه متحد یهودی شکل گرفت (Katz, ۲۰۰۶، ص ۲۰۲-۲۰۳).

از قرن نوزدهم، بار دیگر بین یهودیان و مسیحیان، مناقشه جدیدی برپا شد که از نظر یهودیان، جریان یهودستیزی را دنبال می‌کرد. یهودستیزان، با تمسخر از نژاد یهودیان این‌گونه یاد می‌کردند:

یک یهود، همیشه یهودی است! (Once a Jew, always a Jew) از نظر آنان، ویژگی‌های جسمی یهود این‌گونه بود: کوتاه قد، مو قرمز، دماغ عقابی، بدچشم با بدن و پای بد شکل، از لحاظ ساختار بدنی ضعیف. ویژگی‌های اخلاقی‌شان نیز عبارت بود از: ترسویی، سرکشی، حيله‌گری، تبلی، شهوت‌رانی و علاقه‌مندی به ارتباط با زنان غیریهودی (رابینسون، ۲۰۰۸، ص ۴۹۰-۴۹۱).

توهین‌های مسیحیان به یهودیت یک‌طرفه نبوده، عداوت به مسیحیت در اندیشه‌های دینی یهود مشاهده می‌شود. شاهاک (Israel Shahak) می‌نویسد:

تلمود، جدای از ضدیت کلی با غیریهودیان، به شدت ضد مسیح است و اهانت‌های فراوانی به ساحت حضرت عیسی علیه السلام کرده است. از جمله اتهامات جنسی سخیف، مجازات او در جهنم و فرو بردن او در نجاسات شیطان. همچنین حکمی در تلمود به یهودیان اجازه می‌دهد که انجیل را در ملاء عام بسوزانند. این حکم، همچنان معتبر است. به‌عنوان نمونه، در ۲۳ مارس ۱۹۸۰، صدها نسخه از انجیل در ملاء عام و تحت نظر یک سازمان مذهبی به نام «یادلاخیم» (Yad le akhim) در اورشلیم سوزانیده شد. این میمون در کتاب احکام تورات، پس از بیان نام مسیح علیه السلام می‌نویسد: «نام زشتش نابود باد» (شاهاک، ص ۵۲-۵۳).

این دشمنی‌ها، نباید نتیجه دستورات اخلاقی دین الهی یهود تلقی شود؛ زیرا با روح تعالیم یک مذهب یکتاپرست هم‌سو نیست، بلکه اینها تحریفات یهودیان است.

### برگزیدگی قوم یهود و تمایز با بیگانگان

یکی دیگر از دلایل یهود برای برتر دانستن نژاد خود، این است که خود را برگزیده خدا می‌دانند (رک: خروج: ۷:۳؛ ۲۲:۴؛ ۲۳:۱؛ ۱۶:۷؛ ۱۹:۵؛ تثیبه: ۱۸:۵؛ ۱۹:۸؛ ۱۹:۲۶؛ ۲۰:۵؛ اول سموئیل: ۲:۲۸؛ دوم سموئیل: ۶:۲۱؛ اول پادشاهان: ۱۶:۸؛ مزامیر: ۳۷:۸۹-۳۶:۳۷؛ اشعیا: ۴۱:۱۴؛ ۲۲:۶۶؛ ارمیا: ۱۱:۱۳؛ هوشع: ۱:۳). آنان می‌دیدند که خدای قومی آنها، سیر تاریخ را به سودشان تغییر می‌دهد و پی‌درپی شاهد الطاف و عنایت الهی بودند (پستاین، ۱۳۸۵، ص ۴۵-۴۶).

در این مفهوم، خداوند با بندگانش رابطه دارد. بنی اسرائیل امت برگزیده‌ای است که خداوند محبتش را از طریق آنان، به تمامی آدمیان و نه تنها آنان، آشکار ساخت (پستاین، ۱۹۶۰، ص ۳۰). به نظر می‌رسد، با این تفضیل، آنان دارای مسئولیت سنگینی شدند؛ چون بقیه اقوام به آنان توجه می‌کردند تا بدانند این قوم مکرم چه ویژگی‌هایی دارند. در تلمود آمده است:

یهودی باید دینی داشته باشد که نه تنها از بت‌پرستان متمایز شود، بلکه یادآور نژاد، ایمان و دین یهودی وی نیز باشد. یهودی باید از همسایگان خود هم به سبب ایمان و هم شیوه زندگی خاص متمایز باشد... حتی در اعمال روزانه‌اش، ظاهری متمایز برای یادآوری یهودی بودنش داشته باشد. زندگی او در تمام جزئیات، باید به‌وسیله تورات رهبری و نظارت شود (کهن، ۱۳۸۲، ص ۱۲).

تلمود علت اصلی برگزیدگی یهود را پذیرش تورات می‌داند. همچنین این درحالی است که ملت‌های دیگر آن را نپذیرفتند؛ زیرا با خَلْقِ آنان ناسازگار بود. هالاکا (Halakha) به عنوان فقه رسمی یهود، به‌روشنی به تفاوت یهودیان و غیریهودیان پرداخته است (نیسان، ۱۹۹۹، ص ۲۴؛ فایر استون، ۲۰۰۸، ص ۵۵).

یهودیان به این جمله تورات نیز استناد می‌کردند: «پس موسی آمده، همه سخنان خداوند و همه این احکام را به قوم بازگفت و تمامی قوم به یک زبان در جواب گفتند: همه سخنانی که خداوند گفته است، بجا خواهیم آورد» (خروج، ۲۴:۳).

عده‌ای برتری اخلاقی خود را مطرح می‌کنند و می‌گویند: اگر سؤال شود چرا خداوند آنان را انتخاب کرده، خواهند گفت: چون ما خدا و توراتش را انتخاب کرده‌ایم و لذا برگزیدگی دو سویه و متقابل است (آرتور بوتریک، ۱۹۵۳، ص ۳۰).

برخی دیگر، بعکس خلوص نژادی را دلیل برگزیدگی می‌دانند (هالوی، ۲۰۰۷، ص ۳۵، ۱۲۴). نگاه دیگر، متأثر از تفکر مسیحی است. بر اساس این تفکر، اراده الهی، بر برگزیده شدن این قوم بوده است (آشتیانی، ۱۳۶۸، ص ۴۷۵) و نباید در پی دلیل این برگزیدگی بود. در عهد جدید آمده است: «شما مرا برگزیدید، بلکه من شما را برگزیدم و شما را مقرر کردم تا شما بروید و میوه آورید و میوه شما بماند تا هر چه از پدر به اسم من طلب کنید، به شما عطا کند» (یوحنا، ۱۶:۱۵). در تلمود آمده است: «با جماعت یهود همچون ملت‌های دیگر معامله نمی‌کنم، حتی اگر اعمال خوب آنان اندک باشد» (گندمی، ۱۳۸۴، ص ۷۶-۸۰).

بنابراین، برگزیدگی آنان یک موهبت الهی است.

در تورات، تصمیم خداوند در انتخاب بنی اسرائیل، به شکل حکم ازلی است و برگزیدگی، در اثر تحقق عهد الهی در کوه سینا و بار دوم در دشت موآب بود (ایسن، ۱۹۹۵، ص ۶۴). از این رو، اگر قوم یهود به بیراهه بروند، بر خدا لازم است تا آنان را برگرداند. بر اساس کتاب مقدس عبری، علت برگزیدگی بنی اسرائیل، عهدی است که خدا با پدران آنان، ابراهیم، اسحاق، یعقوب و سپس، سایر انبیای آنان و خود قوم بسته است. بر اساس این عهد، خدا، خدای اینان و قوم هم قوم خدا هستند، به شرطی که تنها خدا را بپرستند و از فرامین الهی تبعیت کنند (بقره: ۸۴-۸۳)؛ یعنی اگر شرط رعایت نشود، برگزیدگی قومی از بین خواهد رفت (همان، ص ۱۶۹).

برگزیدگی در تنخ، به معنای نادیده گرفتن سایر انسان‌ها نیست:

و غریبانی که با خداوند مقترن شده، او را خدمت نمایند و اسم خداوند را دوست داشته، بنده او بشوند؛ یعنی همه کسانی که سبّت را نگاه داشته، آن را بی حرمت نسازند و به عهد من متمسک شوند. ایشان را به کوه قدس خود خواهم آورد و ایشان را در خانه عبادت خود شادمان خواهم ساخت و قربانی‌های سوختنی و ذبایح ایشان بر من قبول خواهد شد؛ زیرا خانه من به خانه عبادت برای تمامی قوم‌ها مسمی خواهد شد و خداوند یهوه که جمع‌کننده رانده‌شدگان اسرائیل است، می‌گوید که بعد از این دیگران را با ایشان جمع خواهم کرد، علاوه بر آنانی که از ایشان جمع شده‌اند (اشعیا، ۵۶: ۷-۸).

در تنخ، برای بیگانگان دعای خیر می‌شود تا اسم خدا را بشناسند:

و نیز غریبی که از قوم تو اسرائیل نباشد و به خاطر اسم عظیم تو و دست قوی و بازوی برافراشته تو از زمین بعید آمده باشد، پس چون بیاید و به سوی این خانه دعا نماید، آن‌گاه از آسمان، مکان سکونت خود بشنو و موافق هر آنچه آن غریب نزد تو استغاثه نماید، به عمل آور تا جمیع قوم‌های جهان اسم تو را بشناسند و مثل قوم تو اسرائیل از تو بترسند و بدانند که اسم تو بر این خانه‌ای که بنا کردم نهاده شده است (دوم تواریخ، ۳۲: ۶-۳۳؛ و نیز: اول پادشاهان، ۸: ۴۱-۴۳).

در تنخ گردن‌کشی بنی‌اسرائیل، در برابر فرامین الهی و پیامبران خدا نیز بارها مذمت شده است (دوم پادشاهان، ۱۷: ۱۳-۲۰؛ ارمیا، ۱۱: ۹-۱۰؛ ۲۸: ۲۵-۲۸؛ رک: بقره: ۶۸-۷۱). به این ترتیب، نظر افراطی (نژاد برتر) یهود به چالش کشیده می‌شود.

در تورات آمده است: غضب خداوند به سبب سرکشی‌های مکرر و از دست‌دادن فرصت توبه، شامل حال بنی‌اسرائیل می‌شود. این غضب تنها یک توییح ساده نیست، بلکه خداوند آنان را به مبارزه می‌طلبد: خداوند چنین می‌گوید: پدران شما در من چه بی‌انصافی یافتند که از من دوری ورزیدند و باطیل را پیروی کرده، باطل شدند؟ و نگفتند: یهوه کجاست که ما را از زمین مصر برآورد و ما را در بیابان و زمین ویران و پر از حفره‌ها و زمین خشک و سایه موت و زمینی که کسی از آن گذرا نکند و آدمی در آن ساکن نشود، رهبری نمود؟ و من شما را به زمین بستان‌ها آوردم تا میوه‌ها و طیبات آن را بخوردید؛ اما چون داخل آن شدید، زمین مرا نجس ساختید و میراث مرا مکروه گردانیدید. کاهنان نگفتند: یهوه کجاست و خوانندگان تورات مرا نشناختند و شبانان بر من عاصی شدند و انبیا برای بعل نبوت کرده، در عقب چیزهای بی‌فایده رفتند. بنابراین خداوند می‌گوید: بار دیگر با شما مخاصمه خواهم نمود و با پسران پسران شما مخاصمه خواهم کرد (ارمیا، ۲: ۹-۵).

خداوند انذار می‌دهد که در صورت عدم ترک خطاها، آینده بدی را برایشان رقم می‌زند:

خداوند می‌گوید: هر آینه خاندان اسرائیل و خاندان یهودا به من به شدت خیانت ورزیده‌اند. خداوند را انکار نموده، می‌گویند که او نیست و بلا به ما نخواهد رسید و شمشیر و قتل را نخواهیم دید. و انبیا باد می‌شوند و کلام در ایشان نیست. پس به ایشان چنین واقع خواهد شد. بنابراین، یهوه خدای صباپوت چنین می‌گوید: چون که این کلام را به من گفتید، همانا من کلام خود را در دهان تو آتش و این قوم را هیزم خواهم ساخت و ایشان را خواهد سوزانید. خداوند می‌گوید: ای خاندان اسرائیل، اینک من امتی را

از دور بر شما خواهم آورد. امتی که زورآوردند و امتی که قدیمند و امتی که زبان ایشان را نمی‌دانی و گفتار ایشان را نمی‌فهمی (ارمیا، ۵: ۱۱-۱۵). در نهایت، به دلیل تمدن بنی‌اسرائیل، آنان را پراکنده و در کشورها متفرق می‌سازد (حزقیال، ۲۰: ۲۳).

بنابراین، کتاب مقدس، اندیشه برگزیدگی کلی و همیشگی بنی‌اسرائیل را تأیید نمی‌کند. به نظر می‌رسد، برگزیدگی به سبب عهد الهی و پذیرش تورات است و برای سایر نظرات، دلیل منطقی نمی‌توان یافت.

### فهم و هدایت‌گری تورات در انحصار قوم یهود

متفکران یهودیت سنتی و ارتدوکس (رک: نیوسر، ۱۹۹۱، ص ۳۲) معتقدند: یک غیریهودی درک دقیقی از کتاب مقدس ندارد. ظرفیت‌های فهم این کتاب را تنها یهودی مؤمن درمی‌یابد.

آگاهی معمولی از نوشته‌های یهودی، چیزی بیش از آشنایی گذرا با دین یهود نخواهد بود. برای فهمیدن جایگاه امروزی دین، باید دریابیم که گذشته چگونه در اذهان و افعال عمل‌کنندگان کنونی زنده است. ادله لفظی حداکثر بازتاب ناقصی از یهودیت‌اند و در تلاش برای توصیف دین یهود، باید همیشه از رفتارهای معمول دینی، الگوهای فکری و واکنش‌های یهودیان دین‌دار آغاز کرد (آترمن، ۱۳۸۵، ص ۱۸).

برخی معتقدند که این عقیده که یهودیت یک مذهب مبتنی بر کتاب مقدس است، گمراه‌کننده است و تورات همان قدرت قانونی و محوریتی را دارد که انجیل در مسیحیت دارد (شاهاک، ۱۳۸۹، ص ۷۷). این موضوع، به تفسیر یهودیان از کتاب مقدس برمی‌گردد که به ظاهر الفاظ توجیهی نداشته، تفاسیر خاصی از کتاب‌های مقدس دارند که کاملاً با ظاهر آن، متفاوت و گاه در تضاد است (همان، ص ۷۱) (شاهاک، ۱۳۸۹، ص ۷۲).

با چنین تفکری، راه گفت‌وگوی بین ادیان بسته شده و موانع بسیاری بر سر راه فهم متقابل بین ادیان توحیدی پدید می‌آید. درحالی‌که تنخ، مانند سایر کتب دینی، مضامین مشترکی در مورد انسان دارد. در اندیشه یهود، دستورات درست دینی یهود، فراقبیل‌های است. تورات، در کوه سینا نازل شده است تا ملت‌های جهان عذری نداشته باشند که آن را به اسرائیلی‌ها محدود کنند. در عقاید دینی یهود آمده است: «تورات به سه چیز شباهت دارد: بیابان، آتش و آب؛ یعنی همان‌طور که این سه چیز برای جهانیان رایگان است، تورات نیز برایشان رایگان است» (مکیلتا بحوش ۵؛ پیترز، ۱۳۸۵، ص ۱۵۱). این سه عنصر طبیعت، نقش حیاتی در تشکیل جهان دارند (پیدایش، ۱: ۱-۱۰)؛ زیرا بیابان به ملتی تعلق ندارد، با نزول تورات در بیابان، اختلاف بین امت‌ها مبنی بر اینکه تورات در سرزمین ما نازل شد، از بین می‌رود. آتش و آب هم همگانی است (پیترز، ۱۳۸۵، ص ۱۵۲). البته بسیاری از احکام تورات، مخصوص یهود است (کتاب لایوان)، اما فهم مفاهیم اخلاقی برای همگان امکان‌پذیر است.

بنابراین، برای فهم کتاب مقدس، راه‌های مختلفی وجود دارد و هر یک درک‌ها و تفاسیر متعددی در

پی خواهد داشت. برای کتاب مقدس عبری، مراتب تفسیری مختلفی را می‌توان در نظر گرفت. طُرُق فهم تورات عبارتند از:

۱. فهم ساده متن تورات، مناسب برای عامه مردم.
۲. مطالعه تفاسیر مختلف با تأکید بر محور معنای ساده.
۳. بررسی متن کتاب مقدس از چشم‌انداز میدراش و تفاسیر وعظی.
۴. مثل‌ها و نغزها. تفاوت فکری میان عامه و خاصه از این مورد شکل می‌گیرد.
۵. رازهای تورات، اشاره به معانی پنهانی، مثل حرف «ب» که در آغاز تورات عبری درشت‌تر نوشته شده است.
۶. فهم تورات از طریق فاصله گرفتن از دنیا و تجربه حضور فعال خداوند در خود.
۷. طریقه انبیاء در فهم تورات؛ یعنی قدس‌الاقداص که بالاترین سطح فهم بوده و همه به آن دست نمی‌یابند (پیترز، ۱۳۸۵، ص ۱۶۲-۱۶۷).

قرآن کریم بارها به حقانیت کتب آسمانی تحریف‌نشده پیشین اشاره کرده است. یافتن اشتراکاتی در زمینه یکتاپرستی، در بخش‌های تحریف‌نشده کتاب مقدس، تصادفی نیست. البته تصدیق قرآن، دلیل بر حقانیت کتب فعلی نیست. قطعاً بخش‌هایی در همین کتب مقدس یافت می‌شود که مطلقاً با عقل و آموزه‌های دین الهی منطبق نیست، اما فهم معارف الهی موجود در کتاب مقدس عبری، بنابر شهادت قرآن کریم، برای غیریهودیان ناممکن نیست. بنابراین، پیروان ادیان با فهم نادرست از دین خود، به اختلافات و دشمنی‌های خود دامن می‌زنند. این تفکرات باطل، یکی از عوامل مؤثر دشمنی‌های آنان در عصر حاضر است.

### جایگاه بیگانگان در قرآن کریم

در قرآن کریم گرچه از مشرکان، کافران یا اقوام غیرعربی، همچون یهودیان و نصرانی‌ها صحبت شده است، اما لفظ «بیگانه» یا «غریب» برای آنان به کار نرفته است. اصولاً اسلام دینی فراقومی است و برای همه جهانیان است. همچنین در قرآن کریم آمده است که موسی و عیسی علیهم‌السلام برای قوم بنی‌اسرائیل مبعوث شدند (اسراء: ۲؛ آل‌عمران: ۴۹). بنابر آیه «يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً» (نساء: ۱؛ اعراف: ۱۸۹)، انسان‌ها در خلقت به یکدیگر برتری ندارند. قرآن کریم، از آفرینش یکسان انسان‌ها صحبت کرده است: «وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ سُلَالَةٍ مِنْ طِينٍ» (مؤمنون: ۲۳؛ سجده: ۷؛ حجر: ۲۶). در جای دیگر می‌فرماید: فضیلت آنان به تقوایشان است (حجرات: ۱۳). از این رو، فضیلت یک انسان به فرزندان او منتقل نمی‌شود. به‌عنوان نمونه، فرزند نوح علیه‌السلام، اهل او شمرده نمی‌شود (هود: ۴۶-۴۵). امامت حضرت ابراهیم علیه‌السلام لزوماً به همه افراد نسلش منتقل نمی‌شود (بقره: ۱۲۴).

خداوند در قرآن کریم، خدای همه مخلوقات و ابناء بشر است، نه خدای این قوم و آن نژاد. واژه‌های «رب‌الناس» و «رب‌العالمین» و «رب کل شیء» این معنا را دارند (ناس: ۱؛ انعام: ۱۶۲، ۱۶۴؛ اعراف: ۶۱، ۶۷، ۱۰۴). خطاب آدمیان به «یا ایها الناس» و «یا ایها الذین آمنوا» بیانگر نگاه یکسان خداوند به تمامی نژادهاست.

قرآن تمامی انبیاء و پیشینیان را با نگاهی واحد نگریسته، آنان را «امت واحده» خطاب کرده است (انبیاء: ۹۲). جهاد و دفاع در برابر کافران متجاوز مطرح شده است (بقره: ۱۹۰-۱۹۴؛ نساء: ۹۰). وجود مفاهیم مرتبط با اصل برابری انسان‌ها و توجه به معیارهای اخلاقی در رفتار، بیانگر دیدگاه منصفانه قرآن به بیگانگانی است که بالفعل خطری برای مسلمانان به‌شمار نمی‌روند. اما در گزارش قرآن کریم، از پیامبران پیش از اسلام آمده است که پیام خود را با خطاب‌های «یا قوم» یا «یا بنی‌اسرائیل» ابلاغ می‌کردند (بقره: ۴۰، ۴۷، ۱۲۲، ۵۴؛ مائده: ۲۰، ۲۱؛ انعام: ۷۸؛ اعراف: ۷۳، ۷۹، ۸۵، ۹۳). این امر بیانگر قومی بودن این ادیان است.

### برگزیدگی در گزارش قرآن کریم

از نگاه قرآن کریم، مسلمان عرب، با سایر نژادها متمایز نیست. دستیابی به هدایت برای همه محقق است (بقره: ۱۸۵). گرچه برخی این هدایت را می‌پذیرند و برخی آن را نمی‌پذیرند (محمد: ۲۵، ۳۳). پیامبران برای هدایت قوم خود، به درگاه خداوند دعا می‌کردند (بقره: ۱۲۸)؛ اما این به معنای برتری آن اقوام نیست. قرآن تسلیم شدن در برابر خدا و ایمان به همه انبیاء را الزامی شمرده است: «...لَا تَفْرُقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْهُمْ...» (بقره: ۱۳۶؛ آل‌عمران: ۸۴). آیاتی در قرآن به برگزیدگی بنی‌اسرائیل در عصر موسی علیه‌السلام اشاره کرده است (بقره: ۴۷، ۱۲۲؛ مائده: ۲۰؛ جاثیه: ۱۶؛ دخان: ۳۲). بسیاری از مفسران، منظور از «فَضَّلْنَاكُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ» را با توجه به سیاق آیات، چنین تفسیر می‌کنند که آنان نسبت به اطرافیان خود و هم‌عصرانشان در بعضی از جهات برتری یافته‌اند، نه بر مردم همه اعصار. بنابر این نظر، الف و لام در «العالمین»، الف و لام عهد است (طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۲۸؛ ابن‌کثیر، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۱۴۸؛ آلوسی، ۱۴۰۵ق، ج ۱، ص ۲۵). عده‌ای دیگر معتقدند: منظور برتری به جمع بسیاری از مردم است، ولی برتری آنان تا زمانی ادامه دارد که آنان ایمان خود را حفظ کنند و تابع احکام و قوانین شرع باشند (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۳، ص ۵۲؛ زمخشری، ۱۳۸۶ق، ج ۱، ص ۶۷). گرچه برخی از مفسران، الف و لام را جنس و «العالمین» را تمامی انسان‌ها در همه اعصار تعمیم داده‌اند، اما تصریح کرده‌اند: این برتری به این لحاظ است که نعمت‌هایی که به آنان داده شده، بی‌ظنیر است؛ نه آنکه آنان برتری ذاتی داشته باشند (رشیدرضا، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۰۴؛ مغنیه، ۱۹۹۰، ج ۳، ص ۴۲؛ طالقانی، بی‌تا، ج ۱، ص ۴۸). قرآن کریم می‌فرماید: این نعمت‌ها وسیله آزمایش بنی‌اسرائیل بوده است (دخان: ۳۰-۳۳). چنین برتری و تفضیلی، مانند خطاب خداوند به مسلمانان است که

می‌فرماید: «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ» (آل عمران: ۱۱۰) است؛ یعنی مسلمانان به شکل مشروط بهترین امت روی زمین هستند، ولی بنی اسرائیل برتری خود را مطلق تلقی کردند. قرآن کریم برگزیدگی بنی اسرائیل را به پیروی از پیمان الهی مقید کرده، تصریح می‌کند که به دلیل نقض این پیمان لعنت شدند (مانده: ۱۳).

در برخی آیات، خیال‌ها و آرزوهای یهودیان باطل شمرده شده است. مثلاً، آنان گمان می‌کردند اجدادشان، آنان که پیامبران خدا بودند، آنها را شفاعت خواهند کرد و تنها آنان وارد بهشت می‌شوند (بقره: ۱۱۱)، یا آنکه می‌توانند برای گناهان خود، فدیه و بدل تهیه کنند، ولی قرآن کریم می‌فرماید: «وَاتَّقُوا يَوْمًا لَا تَجْزِي نَفْسٌ عَنْ نَفْسٍ شَيْئًا» (بقره: ۴۸، ۱۲۳).

قرآن کریم داستان تفضیل بنی اسرائیل را بازگو می‌کند، اما معمولاً در ادامه این آیات، به نافرمانی آنان نیز اشاره می‌کند (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۵، ص ۲۴۰).

### فهم و هدایت‌گری قرآن کریم برای همه امت‌ها

قرآن تنها کتاب مسلمانان نیست؛ در آن پیام‌های اخلاقی فراوان برای همه انسان‌ها یافت می‌شود. از مفاهیم قرآنی، نه تنها به دست نمی‌آید که قرآن مخصوص مسلمانان است، بلکه آن را تأییدکننده کتب مقدس تحریف‌نشده پیشین معرفی می‌کند: «... مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ ...» (بقره: ۹۷، آل عمران: ۳). این آیات در قرآن کم نیستند و راه هدایت را برای همه باز گذاشته‌اند.

مسلمانان بر اساس آموزه‌های دینی خویش، معتقدند: قرآن کریم برای همه قابل استفاده است؛ هر کس به مقتضای فهم خود پیام‌های روشنی از قرآن دریافت می‌کند. اما یکی از عواملی که در ارتباط دو سویه مسلمانان و پیروان سایر ادیان مانع ایجاد می‌کند، برداشت‌هایی از اسلام است که آن را دینی خشن و مدافع جنگ و خونریزی اعلام می‌کند و سبب اسلام‌هراسی در جهان شده است. نویسندگانی چون کریستوفر هیچنز (Christopher Hitchens) الفاظ مغرضانه‌ای در تعریف اسلام به کار می‌برند. مانند: اسلام و خشونت، شهوت خونریزی در اسلام، تروریسم اسلامی، فاشیسم اسلامی و تروریسم جهادی (رک: مورفی، ۲۰۱۱).

وجود برخی از احادیث ضعیف و استفاده مستشرقان از آن، به این نوع تفکرات دامن زده است. به‌عنوان نمونه، روایتی از پیامبر ﷺ نقل شده که فرمودند: «به من دستور داده شده که با مردم بجنگم تا بگویند: لا اله الا الله». پس هر کس آن را بگوید، مال و جاننش را حفظ کرده است. آن‌گاه آنان از این گونه روایات چنین استنباط می‌کنند که این حدیث، دعوت پیامبر ﷺ به جنگ را توجیه می‌کند (پیترز، ۱۳۸۵، ص ۵۱). برخی معتقدند: اسلام‌آوردندگان، به دلیل روح اسلام یا زور شمشیر اسلام آوردند. نمونه

این اجبار، در بین مسیحیان شرقی، ایرانیان زرتشتی و بربرهای بت‌پرست وجود دارد که گروه گروه اسلام آوردند. آن‌گاه، دلیل ایمان نیوردن یهودیان را مقاومت آنان در برابر اغواهای سیاسی - اجتماعی می‌دانند (نیسان، ۱۹۹۹، ص ۳۸؛ فایر استون، ۲۰۰۸، ص ۲۸۳).

دانیل بنجامین (Daniel Benjamin) و استیون (Steven Simon) نیز اسلام را خشن‌ترین دین معرفی کرده‌اند (بورلی، مورفی، ۲۰۱۱، ص ۱۴۸). چنین نویسندگانی، برای اثبات این خشونت، به برخی آیات قرآن کریم استناد می‌کنند. بعضی آن را در «تاریخ خونین» اسلام می‌جویند و به این جمله استناد می‌کنند که «ایمان بر شمشیر استوار است» (توبه: ۵). هانتینگتون می‌گوید: خونریزی جزء ذات مسلمانان است! (هانتینگتون، ۱۹۹۳). چنین اظهاراتی ادیان را رو در روی هم قرار داده، موجب تفرقه می‌شود. این برداشت‌ها، گاه به سبب اعمال تروریستی تحت لوای اسلام است. حوادثی چون حادثه ۱۱ سپتامبر نیز به طور مستقیم در القای این حس مؤثر بوده است (لاسکیر، یاکوف لوف، ۲۰۱۱، ص ۱۰۲). بخشی از موضع‌گیری‌های دنیای غرب، به دلیل کشمکش‌ها و اختلافات بین فرقه‌های گوناگون مسلمانان است. کج‌اندیشی دینی، در بین پیروان یک دین، بزرگ‌ترین خسارت را بر پیکره مذهب وارد می‌سازد. اسلام نیز از این هجوم در امان نبوده و موجب پوشانده شدن چهره حقیقی دین اسلام گردیده است. اگر عده‌ای با ادعای مسلمانی، به رفتارهایی دست می‌زنند که توجیه دینی برای آن یافت نمی‌شود و گاهی هم حتی با صراحت، از آن رفتار منع شده‌اند، به این دلیل است که یا کج‌فهم هستند، یا به اسلام تظاهر می‌کنند. البته در این میان از توطئه دشمنان اسلام ناب برای ارائه چهره خشن از اسلام نباید غافل شد.

برای ایجاد روابط صحیح با پیروان سایر ادیان، قرآن کریم روش مؤثری در اختیار مسلمانان قرار داده است. قرآن، کافران و بت‌پرستان را از «اهل کتاب»، که به خدای یگانه معتقد هستند، جدا می‌کند و به فضایل اخلاقی برخی یهودیان اشاره می‌کند. از قبیل: تلاوت شبانه کتاب الهی، برخورداری از خشوع الهی (آل عمران: ۱۱۳) و استواری در علم (نساء: ۱۶۲). قرآن کریم، در رفتار با اهل کتاب، احکامی ویژه تعیین کرده است و در این احکام، بی‌عدالتی دیده نمی‌شود. قرآن کریم نشان می‌دهد که پیمان بستن با اهل کتاب، برای پایان دادن به دشمنی میان پیروان ادیان و ایجاد نوعی اتحاد و همزیستی مسالمت‌آمیز میان مسلمانان و غیرمسلمانان، در قلمرو حکومت اسلامی بوده است. در هر اجتماع انسانی، با به مخاطره افتادن جان و مال و عقاید، به طور غیرارادی مقابله‌های طبیعی پدید می‌آید. از این رو، ضمن توصیه‌های رفتار مناسب اجتماعی با یهود (آل عمران: ۶۴)، رفتارهای قاطعی که حاکی از اصل تبری و ایستادگی در برابر تجاوز غیر مسلمانان است، شکل می‌گیرد (آل عمران: ۲۸).

علاوه بر عوامل مطرح شده، ناآشنایی با مفاهیم متعالی قرآن، غیرمسلمانان را از برداشت صحیح از اسلام و داشتن روابط حسنه با مسلمانان باز می‌دارد.

### نتیجه‌گیری

در اندیشه دینی یهود، بیگانگان افرادی خارج از نژاد و دین بنی اسرائیل هستند. در متون دینی یهود، در تعامل با بیگانگان، شیوه‌های متفاوت و گاه متضاد یافت می‌شود. از یک‌سو، مفاهیم متعالی در تنخ، بیانگر نگاه یکسان یهود به آدمیان است. از این منظر، همه انسان‌ها اعم از یهودیان و غیریهودیان در پیشگاه خداوند محترم هستند. حتی گاه اعمال درست «غریبان» تمجید و با نافرمانی بنی اسرائیل مقایسه شده است. از سوی دیگر، در کتاب مقدس عبری و سنت‌های یهودی و تلمود، می‌توان تمایزاتی بین یهودیان و سایر نژادها مشاهده کرد که تقویت‌کننده اندیشه قوم برتر است. این دوگانگی در برخورد با بیگانگان، نوعی سردرگمی برای نژادها و ادیان دیگر پدید می‌آورد. بالاخره، موضع یهودیان در برابر غیر خود چیست؟ وجود این تفکرات گوناگون و نرسیدن به توافق در برخورد با بیگانگان، حاکی از مخدوش بودن منابع یهودی است. در اندیشه قرآنی، بیگانگان به شکلی که در یهود مطرح هستند، مشاهده نمی‌شوند. قرآن بر برابری انسان‌ها تصریح دارد و در آن هیچ آیه‌ای، مبنی بر دوری جستن از سایر نژادها یافت نمی‌شود. انسان‌ها جز به دلیل ایمان، همراه با عمل صالح، بر یکدیگر برتری ندارند. تقوا موجب گرمی داشت بیشتر آنان نود خداست. در نگاه قرآنی، همه انسان‌ها برادر هم هستند و کل جهانیان، امت واحده‌ای به‌شمار می‌روند که باید با ایمان و عمل صالح هدف واحدی را دنبال کنند. اهل کتاب و اهل ذمه از کافران جدا هستند. مسلمانان می‌توانند با آنان تا زمانی که تهدیدی برای جامعه دینی به‌شمار نمی‌آیند، رابطه داشته باشند. اسلام، دینی فراقبیله‌ای و جهانی است. اما یهودیت دینی قومی است. این مسئله، اختلاف‌های جدی در نگرش این دو دین به بیگانگان پدید آورده است. روابط ناصحیح بین پیروان ادیان، به عواملی چون کج‌فهمی آنان از آموزه‌های اخلاقی دینشان، بدبینی و هراس از سایر ادیان و تکیه کمتر به کتب مقدس بازمی‌گردد.

مفهوم «برگزیدگی»، ریشه عمیقی در اعتقادات یهود دارد. آنان با تکیه بر این برگزیدگی، فاصله خود را با غیر خود افزایش می‌دهند. در قرآن، سخنی از برگزیدگی مسلمانان نیست و هدایت بر هر انسانی از هر قبیله‌ای عرضه شده است. یهودیان، فهم ویژه‌ای از کتاب مقدس عبری برای خود قائلند؛ یک غیریهودی را از این بینش محروم می‌دانند. اما در قرآن، نه تنها چنین اندیشه‌ای یافت نمی‌شود، بلکه همه انسان‌ها به خواندن و فهم قرآن تشویق شده و قرآن برای غیرمسلمانان دست‌نیافتنی نیست.

### منابع

کتاب مقدس، ۲۰۰۲م، United Kingdom، انتشارات ایلام، چاپ سوم.  
آشتیانی، سیدجلال الدین، ۱۳۶۸، *تحقیقی در دین مسیح*، تهران، نگارش.

—، ۱۳۸۳ش، *تحقیقی در دین یهود*، تهران، نشر نگارش.

آلوسی، محمود، ۱۴۰۵ق، *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم*، بیروت، داراحیاء التراث العربی.

آنترمن، آلن، ۱۳۸۵، *باورها و آئین‌های یهودی*، ترجمه رضا فرزین، قم، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب.

ابن کثیر، اسماعیل، ۱۴۰۹ق، *تفسیر القرآن العظیم*، بیروت، دارالمعرفة.

اپستاین، ایزودر، ۱۳۸۵ش، *یهودیت*، ترجمه بهزاد سالکی، تهران، موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران.

ازهری، محمدبن احمد، ۱۴۱۲ق، *مقایس اللغة*، بیروت، داراحیاء التراث العربی.

پیترز، فرانسیس، ۱۳۸۵ش، *یهودیت، مسیحیت و اسلام*، ترجمه حسین توفیقی، قم، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب.

فراهیدی، خلیل بن احمد، ۱۴۰۹ق، *العین*، قم، نشر هجرت.

خویی، ابوالقاسم، ۱۳۸۸، *بیان در علوم و مسائل کلی قرآن*، ترجمه محمدصادق نجمی، هاشم هاشم زاده هریسی، تهران، سازمان چاپ و انتشارات.

رازی، محمد، ۱۴۱۰ق، *التفسیر الکبیر*، بیروت، دارالفکر.

رشیدرضا، محمد، بی تا، *تفسیر المنار*، بیروت، دارالفکر.

روحانی، محمود، ۱۳۶۶-۱۳۶۸، *المعجم الاحصایی للالفاظ القرآن الکریم*، (فرهنگ آماری کلمات قرآن کریم)، مشهد، آستان قدس رضوی.

زمخشری، محمودبن عمر، ۱۳۸۶ق، *مقدمه الأدب*، تهران، دانشگاه تهران.

شاهاک، اسرائیل، ۱۳۸۹ش، *تاریخ یهود، آیین یهود (سابقه سه هزار ساله)*، ترجمه رضا آستانه پرست، تهران، قطره.

طالقانی، سیدمحمود، بی تا، *پرتوی از قرآن*، چ سوم، تهران، شرکت سهامی انتشار.

طباطبایی، سیدمحمدحسین، ۱۴۱۷ق، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

طبری، محمدبن جریر، ۱۴۱۲ق، *جامع البیان فی تفسیر القرآن*، بیروت، دارالمعرفة.

فخررازی، محمدبن عمر، ۱۴۲۰ق، *مفاتیح الغیب*، بیروت، داراحیاء التراث العربی.

کهن، ۱۳۸۲، *خدا، جهان، انسان و ماشیح در آموزه‌های یهود (برگزیده‌ای از گنجینه‌ای از تلمود)*، ترجمه امیر تریدون گرگانی، تهران، المعی.

گندمی، رضا، ۱۳۸۴، «اندیشه قوم برگزیده در یهودیت»، *هفت آسمان*، ش ۲۶، ص ۶۳ - ۱۰۱.

- Katz, Steven T., 2006, *The Cambridge history of Judaism*, The late Roman-Rabbinic period, volume four, UK, Cambridge University of press.
- Laskier, Michael M., & Yaacovlev, 2011, *The Divergence and Islam: interdependence, modernity and political turmoil, United State of America*, University press of Florida.
- Longman, Tremper III, 2013, *The Baker Illustrated Bible Dictionary, Old Testament*, Editor: Peter Enns, New Testament Editor: Mark Strauss, Washington DC, Baker Books.
- Maccaul, Alexander, 1868, *The Old Paths, Or the Talmud Tested by Scripture*. (Second Edition.), London. Paternoster Row.
- Magill, Frank Northen, 1998, *Dictionary of World Biography: The Middle Ages*, London & New York, Routledge, vol. 2.
- Monaghan, Patricia, 2010, *Encyclopedia of Goddesses and Heroine*, Santa Barbara, California, Denver, Colorado, Oxford, England, Green wood, 2010.
- Murphy, Andrew R., *the Blackwell companion to religion & violence*, Blackwell publishing Ltd.
- Neusner, Jacob, 1991, *Studying Classical Judaism: A Primer*, Westminster, John Knox press, Louisville, Kentucky.
- Nisan, Mordechai, 1999, *Identity and Civilization: Essays on Judaism, Christianity and Islam*, University press of America, Lanham, New York, Oxford, (Boston)
- Patai, Raphael, 1990, *The Hebrew Goddess, Detroit*, Wayne State University Press.
- R. H. Charles, 2006, *The Apocalypse of Baruch: Translated from the Syriac*, San Diego, California, The Book Tree.
- Robinson, George, 2008, *A Complete guide to beliefs, customs, and rituals*, New York, Pocket Books.
- Sand, Shlomo, 2010, *The Invention of the jewish people*, translated by Yael Lotan, verso, London.
- Wilson, Walter T., 2011, *Philo of Alexandria: On Virtues: Introduction, Translation, and Commentary*, leiden, Brill.

<http://tahoor.com/fa/Article/View/114893>  
[https://en.wikipedia.org/wiki/Daniel\\_Benjamin](https://en.wikipedia.org/wiki/Daniel_Benjamin)  
[https://en.wikipedia.org/wiki/Christopher\\_Hitchens](https://en.wikipedia.org/wiki/Christopher_Hitchens)

- مجتبایی، فتح الله، ۱۳۷۴، «آدم»، در *دایرةالمعارف بزرگ اسلامی*، زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی، تهران، مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی.
- معرفت، محمدهادی، ۱۳۹۰، *تاریخ قرآن*، تهران، سمت.
- مغنیه، محمدجواد، ۱۹۹۰، *التفسیرالکاشف*، بیروت، دارالعلم للملایین.
- Arthur Buttrick, George, 1953, *The Interpreter's bible*, Abingdon-Cokesbury Press.
- Black Koltuv, Barbara, 1986, *The Book of Lilith*, USA, Nicolas Hays Inc.
- Brett, Mark G., 2002, *Ethnicity and the Bible*, Boston, Leiden, Brill Academic Publishers.
- Bromiley, Geoffrey w., 1982, *The International Standard bible Encyclopedia*, Editors: Everett f. Harrison (new T.) Roland k. Harrison (old T.), William Sanrord Lasor (Biblical Geography and Archeology), Consulting Editor: Lawrence T. Geraty (Archeology), Project Editor: Edgar W. Smith, JR, William B., Michigan, Eerdmans publishing company, Grand papids.
- Brown, John, *Encyclopedia perthensis, or, Universal dictionary of the arts, sciences, litreture*, 1816, Edinburgh.
- Brown, Robert G., 2006, *The book of Lilith*, no place.
- Buber, Martin, 1997, *Israel and the world: Essays in a time of crisis*, Syracuse university press, USA.
- Eisen, Robert, 1995, *Gersonides on Providence, Covenant, and the Chosen People*, New York, State University of New York Press.
- Ellis, Havelock, 2001, *Study in the psychology of sex*, Honolulu, Hawaii, University press of the Passific, vol. iv.
- Emmons, Samuel Bulfinch, 1854, *A Bible Dictionary: Containing a Definition of the Most Important Words and phrases in the Holy Scriptures*, Boston, Abel Tompkins.
- Epstein, Isidore, 1960, *Judaism a historical presentation*, London, Wyman & Sons Ltd.
- Firestone, Reuven, 2012, *Holy War in Judaism: The Fall and Rise of a Controversial Idea*, New York, Oxford University Press.
- , 2008, *Who are the Real Chosen People? : The Meaning of Chosenness in Judaism, Christianity and Islam*, Woodstock, skylight path Publishing.
- Fishberg, Maurice, 2006, *Jews, Race and Environment*, with new introduction by William B. Helmreich, United of America, library of Congress Catalog.
- Halevi, Kuzari, Jehuda: 2007, *The Book of proof and argument*, East & West library 1947, the University of California.
- Harkabi, Yehoshafat, 1972, *Arab Attitudes to Israel*, translated by Misha Louvish, Jerusalem, Israel, Israel Universities press .
- Hastings, James, 2003, *Encyclopedia of religions and Ethics*, London, New York, T&T Clark Ltd., vol.5.
- Hayes, Christine E, 2002, *Gentile Impurities and Jewish Identities: Inter marriage and Conversion from the Bible to the Talmud*, New York, Oxford University Press.
- Hess, Moses, 1995, *The Revival of Israel: Rome and Jerusalem, the Last Nationalist Question*, translated by Meyer Waxman, University of Nebraska press, Lincoln & London.
- Katz, Mordechai, 2000, *Understanding Judaism: A Basic Guide to Jewish Faith, History, and Practice*, Brooklyn, New York, A JEP/Rothman foundation publication.